

بنام او، برای او

تفکر انتقادی

بخش مغالطات

تهیه کننده: مجتبی لشکر بلوکی
مرجع: منطق و تفکر انتقادی

۱۳۸۳

انواع انتقاد:

منظر ۱: انتقاد انکاری انتقاد استیضاحی انتقاد استعلایی انتقاد ترکیبی	منظر ۳: انتقاد انتقاد ساختاری انتقاد محتوایی انتقاد ترکیبی	منظر ۳: انتقاد مطلق انتقاد نسبی ۱ انتقاد نسبی ۲ انتقاد ترکیبی
منظر ۲: انتقاد تالیف انتقاد مؤلف انتقاد ترکیبی	منظر ۴: انتقاد موردی انتقاد تاریخی انتقاد	منظر ۶: انتقاد انگیزه انتقاد انگیخته انتقاد ترکیبی

نقد یک گزاره در سه لایه

لایه اول انگیزه و نیت گوینده از بیان گزاره است.

لایه دوم انسجام و قوت درونی استدلال ارائه شده برای آن گزاره

و لایه سوم نتایج عملی است که از پذیرش درست بودن آن گزاره حاصل خواهد شد.

صحت یا کذب یک گزاره را فقط با نقد لایه دوم می‌توان بررسی کرد. در مورد معتبر نبودن لایه اول برای بررسی گزاره‌ها فکر کنیم حداقل در نظر کمتر کسی تردید داشته باشد هر چند در عمل آن را به کار می‌بریم.

منظر ۷: انتقاد تخریب انتقاد نقد انتقاد بهبود انتقاد آموزش انتقاد روایت انتقاد + طرح ایده	منظر ۸: انتقاد محتوی (منفک) انتقاد محتوی با توجه به بسستر انتقاد ترکیبی
--	--

مثالی از گزاره ها

فروید می‌گوید وجود انسان تحت تاثیر نیروهای سرکشی است که در ناخودآگاه وی قرار دارند. اضافه هم می‌کند که سرکوب تضایلات جنسی مولد عقده‌هایی در درون وجود انسان است.

آدام اسمیت می‌گوید دست نامرئی بازار تخصیص بهینه را انجام می‌دهد.

رولان بارت به صراحت می‌گوید مؤلف مرده است هر تفسیری از متن معیبر است.

این‌ها گزاره‌هایی هستند که سعی می‌کنند واقعیت‌هایی را در جهان بیرون بیان کنند. ولی البته قبول کردنشان هم پیامدهای عملی برای فرد یا جامعه پذیرنده آن‌ها نیز خواهند داشت که ممکن است به زعم عده زیادی اصلاً پیامد خوبی نباشند.

این‌ها که آیا یک گزاره بیان درستی از بیرون می‌دهد یا نه باید مورد تحقیق جدی قرار گیرد. ممکن است پژوهش‌های بعدی نشان دهد که فروید یا آدام اسمیت یا بارت اشتباه می‌کرده‌اند و بیان درستی از جهان خارج ارائه نداده‌اند.

تا وقتی که این‌گونه سخن می‌گوییم در لایه دوم نقد هستیم. ولی تصور کنید که کسی بگوید «اگر حرف فروید درست باشد پس باید آزادی کامل جنسی در جامعه حاکم باشد و این آشکارا امری غیراخلاقی است.» آیا با این استدلال وی باید نظر فروید را رد کنیم؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی است.

در واقع گزاره‌ها دارند واقعیت را بیان می‌کنند و نقد نتایج بیشتر متوجه جنبه‌های اخلاقی و ارزشی است. این دو از یک جنس نیستند.

وقتی می‌گوید که سخن در نهایت به شکایت منجر می‌شود و به طور ضمنی هم می‌فهماند که شکایت چیز بدی است پس حرف سروش بد است، عملاً در دام این مغلطه می‌افتد.

انسان محکوم به قبول واقعیت‌های موجود در این جهان است و گزاره‌ها فقط سعی می‌کنند که واقعیت‌ها را برای وی آشکارتر کنند.



۳ طریق استدلال

در منطق برای استدلال سه طریق ذکر کرده‌اند: قیاس، استقراء، تمثیل

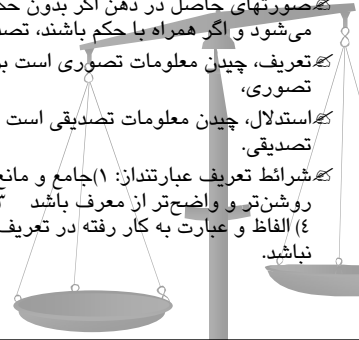
قیاس. سیر از عام به خاص (قیاس) نامیده می‌شود. استقراء تام عبارت است از بررسی همه موارد جزئی و ارائه حکم کلی، که عملاً دسترسی بدان امکان ندارد و استقراء ناقص عبارت است از بررسی موارد معدودی و ارائه حکمی کلی و جامع به طوری که شامل افراد بررسی نشده هم بشود. تمثیل. سیر از مشابه به مشابه است.

تعریف و تصدیق

صورت‌های حاصل در ذهن اگر بدون حکم باشند تصور نامیده می‌شود و اگر همراه با حکم باشند، تصدیق نام دارند.

تعریف، چینیدن معلومات تصویری است برای رسیدن به مجهول تصویری، استدلال، چینیدن معلومات تصدیقی است برای رسیدن به مجهول تصدیقی.

شرایط تعریف عبارتند از: (۱) جامع و مانع باشد (۲) معرف روشن‌تر و واضح‌تر از معرف باشد (۳) تعریف دوری نباشد (۴) الفاظ و عبارت به کار رفته در تعریف پیچیده و دور از ذهن نباشد.

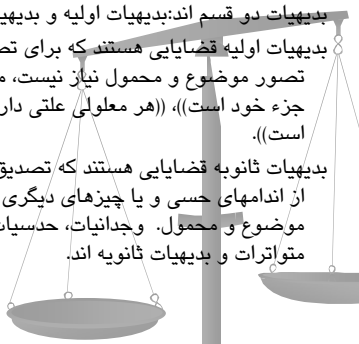


بدیهیات

بدیهیات دو قسم اند: بدیهیات اولیه و بدیهیات ثانویه.

بدیهیات اولیه قضایایی هستند که برای تصدیق به آنها به چیزی جز تصور موضوع و محمول نیاز نیست، مثل (هرکل بزرگ‌تر از جزء خود است)، (هر معلولی علتی دارد)، (اجتماع تقیضین محال است).

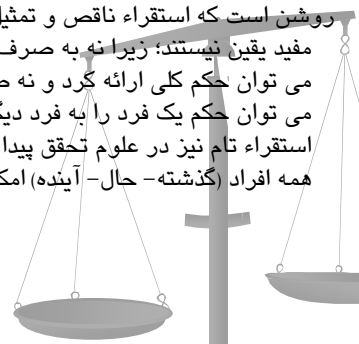
بدیهیات ثانویه قضایایی هستند که تصدیق آنها در گرو کمک گرفتن از اندامهای حسی و یا چیزهای دیگری است علاوه بر تصور موضوع و محمول. وجدانیات، حدسیات، فطریات، تجربیات و متواترات و بدیهیات ثانویه اند.



۳ طریق استدلال

روشن است که استقراء ناقص و تمثیل هیچگاه به تنهایی مفید یقین نیستند؛ زیرا نه به صرف دیدن موارد معدود می‌توان حکم کلی ارائه کرد و نه صرفاً به دلیل مشابَهت می‌توان حکم یک فرد را به فرد دیگری سرایت داد.

استقراء تام نیز در علوم تحقق پیدا نمی‌کند، زیرا بررسی همه افراد (گذشته - حال - آینده) امکان ندارد.



بدیهیات ثانویه

حکمیات، قضایای هستند که علم به آنها از طریق حواس ظاهری حاصل می شود، مثل ((این عسل شیرین است))، ((این دیوان سفید است))؛

وجودانیات، قضایایی هستند که منشأ آنها حس درونی و علم حضوری است، مثل ((من شادم)) و ((من درد دارم))

بدیهیات ثانویه

حکمیات، مثل علم به اینکه نورماه از خورشید است که انسان با مشاهده خورشید و ماده و حرکات آنها یقین به این امر پیدا می کند. در واقع مشاهده و یک استدلال نیمه آگاهانه و پنهان این یقین را ایجاد می کند. و فرقی آن با مجربات آن است که در مجربات علت شناخته می شود ولی نوع علت مجهول است بخلاف حکمیات که نوع علت نیز مشخص می شود. حکمیات، قضایایی هستند که محتاج استدلال اند ولی مقدمات استدلال بدون نیاز به هیچ تفکری در ذهن حاضر می شود، مثل ((عدد چهار زوج است))

بدیهیات ثانویه

حکمیات، برای کسی که هنوز آنجا را ندیده است. تجربیات قضایایی هستند که تصدیق به آنها احتیاج به آزمایش و تجربه دارد، مثل ((آسپرین مسکن درد است))، ((آب در دمای صد درجه به جوش می آید))؛

متواترات، قضایایی هستند که با شنیدن مکرر از دیگران به آنها علم حاصل می شود. آشکار است که این اخبار از لحاظ کیفیت و کمیت تکراراً باید به نحوی باشند که احتمال کذب در آنها نباشد. در این صورت است که مفاد آن بدون فکر مورد تصدیق واقع می شود. در واقع متواتر خبری است که تا آن حد از کانال های متعدد و بی ارتباط با هم نقل شده است که احتمال کذب در آن نمی رود مانند یقین به اینکه: ((توکیو وجود دارد))

بدیهیات ثانویه

از میان بدیهیات ثانویه، فقط وجدانیات بدیهی واقعی هستند، زیرا فقط آنها از برهان و استدلال بی نیازند. بقیه بدیهیات ثانویه نیازمند برهان و استدلال هستند گر چه ممکن است به لحاظ تیز هوشی و حدس قوی و یا ارتکازی بودن استدلال آنها و غیر آن، شخص بدون تأمل آنها را تصدیق کند، اما سرعت انتقال دلیل بر بی نیازی از استدلال نیست. پس بدیهیات واقعی، تنها بدیهیات اولیه و وجدانیات هستند.

مقدمات غیر بدیهی

مقدمات غیر بدیهی قضایایی هستند که بدیهی یا یقینی نیستند ولی مورد قبول واقع شده اند و یا به تعبیر دیگر، تلقی به قبول شده اند. این قضایا به شرح زیرند:

مظنونات: قضایایی هستند که تصدیق به آنها، به سبب غلبه ظن انسان ها به آنهاست؛ گرچه احتمال خلاف آنها نیز وجود دارد، مثل ((حسین روز پنجشنبه به دیدن من می آید)) در جایی که معمولاً حسین روزهای پنج شنبه به دیدن من بیاید.

مقدمات غیر بدیهی

مشهورات: قضایایی هستند که سبب پذیرش آنها شهرت بین مردم است، مانند ((دستگیری افراد ضعیف نیکوست))، مشهورات دو قسمند: مشهورات عام، که مورد قبول همه انسان هاست، و مشهورات خاص، که در بین یک ملت یا قوم یا طایفه خاصی شهرت دارد. همیات: قضایایی هستند که در واقع کاذباند ولی انسان آنها را به دلیل غلبه وهم پذیرفته است، مثل این قضیه که ((مردی به انسان آسیب می رساند)) یا ((مردی ترسناک است)) و ((هر موجودی مکان دارد))

مقدمات غیر بدیهی

مسلمات: قضایایی هستند که بین دو یا چند نفر که بحث و جدل می‌کنند مورد تصدیق واقع شده است، گرچه در واقع صادق نباشد و یا صدق آنها مورد تردید باشد. تسالم بر یک قضیه نیزگاهی عمومی است و گاهی بین یک جمع خاص و حتی دو نفر اتفاق می‌افتد.

مقبولات: قضایایی هستند که شخصی از شخص دیگری به لحاظ تقلید و اعتماد به او می‌پذیرد و سبب اعتماد، یا الهی بودن آن شخص است، مثل انبیا و اولیای الهی، یا تخصص و کردانی شخص است و یا مقبولیت عمومی، نظیر ضرب المثل‌های رایج میان مردم.

مقدمات غیر بدیهی

مشبهات: قضایایی هستند که گرچه کاذبند، مورد قبول واقع شده اند و دلیل قبول آنها شبیه بودن آنها به بدیهیات و مشهورات و در نتیجه موجب مغالطه می‌شوند. تشابه این قضایا با بدیهات یا تشابه لفظی است یا معنوی. توضیح بیشتر این قسم در مباحث آینده خواهد آمد.

مخیلات: قضایایی هستند که با اینکه ممکن است انسان آنها را تصدیق نکند در انسان تأثیر روانی دارند، مانند برانگیختن عاطفه یا خشم یا ایجاد ترس، مانند شعر.

گذار سریع

- 1- اختلاف در ماده قیاس موجب پیدا شدن انواع قیاس‌ها می‌شوند، مانند قیاس‌های برهانی، خطابی، جدلی و مغالطی و غیره.
- 2- مقدمات به کار رفته در قیاس از دو حال خارج نیستند، یا بدیهی هستند و یا نظری.
- 3- قضایای بدیهی، قضایایی نیاز از اکتساب و استدلال می‌باشند.
- 4- بدیهیات به دو دسته تقسیم می‌شوند: بدیهیات اولیه، بدیهیات ثانویه
- 5- بدیهیات اولیه قضایای هستند که صرف تصور موضوع و محمول و نسبت سنجی میان آنها برای تصدیق آنها کافی است.
- 6- بدیهیات ثانویه در گرو به کارگیری حواس و چیزهای دیگری علاوه بر تصور موضوع و محمول هستند که عبارتند از: حساسیت، وجدانیات، متواترات، حدسیات، تجربیات و فطریات

گذار سریع

- 7- غیر بدیهیات نیز دو قسم هستند، بخشی مورد قبول (یا تلقی به قبول) شده اند و بخشی این چنین نیستند، بخش اول عبارتند از: مظنونات، مقبولات، مشهورات، مسلمات، وهمیات، مشبهات و مخیلات.
- 8- برهان عبارت است از قیاسی که از مواد یقینی تألیف شود و به طور ضروری نتیجه‌ای یقینی به دست دهد.
- 9- حس کنجکاوی و حقیقت طلبی انسان و نیاز به دسترسی به سعادت حقیقی، استفاده از برهان برای رسیدن به معرفت حقیقی را برای بشر ضروری می‌کند.
- 10- جدل صنعتی است که انسان با آن می‌تواند از مقدمات مسلم و مورد قبول طرف مقابل، هر مطلبی را که لازم می‌بیند اثبات یا رد کند.

گذار سریع

- 11- ابزار لازم برای جدل و مناظره، مشهورات، مقبولات، و اطلاعات دایرة المعارفی گسترده و فراوان است.
- 12- پرهیز از الفاظ رکبک و به کارگیری الفاظ و عبارات زیبا، رعایت تواضع علمی مو جدال نکردن با افراد ریاست طلب و معاند، همچنین طالب حق بودن و ملاک را حق قرار دادن و استفاده از آیات و روایات، اشعار و ضرب المثل‌ها و غیر آن، از آداب مناظره و جدال احسن است.

بحث شیرین مغالطه

فوائد آشنایی با مغالطه عبارتند از:

- 1- پرهیز از وقوع در آن
- 2- مبارزه با اهل باطل
- 3- هدایت دیگران به سمت استدلال صحیح

مغالطات صوری

مغالطات صوری به شکل و صورت استدلال و قیاس مربوط می شود و در جایی تحقق پیدا می کند که شرایط لازم در صورت و شکل قیاس رعایت نشود. این مغالطات عبارتند از:

- ۱- عدم تکرار حد وسط
- ۲- جمع کردن قضایای مختلف در یک قضیه
- ۳- عدم مغایرت اجزاء
- ۴- مجهول بودن مقدمات
- ۵- جزئی بودن مقدمات
- ۶- مقدمات منفی
- ۷- جزئی بودن کبری در شکل اول
- ۸- سالبه بودن صغری در شکل اول
- ۹- وضع تالی
- ۱۰- رفع مقدم
- ۱۱- مقدمات ناسازگار
- ۱۲- افراد غیر موجود

مجموع مغالطات را تحت چهار عنوان مطرح کرد:

- ۱- مغالطات صوری
- ۲- مغالطات زبانی
- ۳- مغالطات غیر زبانی
- ۴- مغالطات بیرونی

۲- حالت دیگر عدم تکرار حد وسط این است که حد وسط به طور کامل تکرار نشود، مانند دیوار موش دارد، موش هم گوش دارد، پس دیوار گوش دارد.

دیوار دارای موش است
موش دارای گوش است
دیوار دارای گوش است

مثال: هیچ انسانی گیاه نیست، و هر گیاهی رشد می کند، پس هیچ انسانی رشد نمی کند.

۱- عدم تکرار حد وسط

تکرار نشدن حد وسط دو حالت اصلی دارد:

حد وسط مشترک لفظی باشد و معانی آن در مقدمه اول و دوم متفاوت باشد. این حالت مصادیق گوناگونی دارد: گاهی اشتراک لفظ میان یک مفهوم و یک مصداق واقع می شود، مانند سعدی انسان است، انسان یک مفهوم کلی است، پس سعدی یک مفهوم کلی است.

تمرین

ب- اگر در این مسابقات دوپینگ کنی، احتمال برنده شدن بسیار زیاد است، اما می دانیم تو اهل این کار نیستی، پس برنده نمی شوی.

ج- غالب نظامهای حکومتی دنیا دیکتاتوری اند؛ زیرا اگر در کشوری نظام دیکتاتوری حاکم شود مردم به حقوق خود نخواهند رسید و میدانیم که در اکثر کشورها مردم از حقوق خود محروم اند.

د- اگر همسران دارای تحصیلات دانشگاهی باشد، در مسائل علمی تفاهم خوبی خواهید داشت؛ اما متأسفانه همسران تحصیلات دانشگاهی ندارد، لذا انتظار نداشته باشید که در مسائل علمی به تفاهم برسید.

ه- اگر کسی پرخوری کند، بیمار می شود و من با اجتناب از پرخوری، خود را در مقابل انواع بیماری ها بیمه کرده ام.

و- بعضی از کتاب فروشها ثروتمند نیستند و بعضی از ثروتمندان با سواد نیستند پس بعضی از کتاب فروشها با سواد نیستند.

ز- هر انسانی حیوان است، بعضی حیوانها متفکر نیستند، پس بعضی انسانها متفکر نیستند.

مقدمات ناسازگار

مثال (۱): او گرچه در رشته خود کاملاً ماهر و کارکننده است. چون گاهی اوقات مانند آماتورها و افراد مبتدی مرتکب اشتباهات بزرگی می شود، لذا شایستگی سرپرستی یک گروه را ندارد.
مثال (۲): اگر چه او گاهی مانند آماتورها و افراد مبتدی مرتکب اشتباهات بزرگ می شود، چون در رشته خود کاملاً ماهر و کارکننده است، لذا برای سرپرستی این گروه شایستگی دارد.

در دو استدلال بالا، چون مقدمات ناسازگار، دو نتیجه متناقض گرفته شده است. دو مقدمه متناقض و ناسازگار ممکن نیست هر دو صادق یا هر دو یا کاذب باشند و بلکه اگر یکی صادق باشد ضرورتاً دیگری کاذب است و بالعکس.

مغالطات لفظی و زبانی

مغالطات لفظی و زبانی، مغالطاتی هستند که از ناحیه الفاظ به کار رفته در قیاس به وجود می‌آیند و موجب خطای در تفکر می‌گردند. این نوع مغالطه در لفظ مرکب و مفرد واقع می‌شوند. انواع این مغالطه عبارتند از:

- ۱- اشتراک لفظی
- ۲- از لحاظ نحوه ترکیب لفظ (ابهام ساختاری)
- ۳- ترکیب مفصل
- ۴- تفصیل مرکب
- ۵- واژه‌های مبهم
- ۶- دروغ
- ۷- توریه
- ۸- نقل قول ناقص
- ۹- تحریف
- ۱۰- تفسیر نادرست
- ۱۱- تاکید لفظی

اشتراک لفظی

مثال (۱): در باز است، باز نوعی پرندنده است، در نوعی پرندنده است.

این مغالطه به لحاظ تعدد معنای (باز) از نوع عدم تکرار حد وسط نیز محسوب می‌شود که توضیح آن گذشت.

ابهام ساختاری (مغالطه از لحاظ نحوه ترکیب لفظ)

مغالطه ابهام ساختاری همانند مغالطه اشتراک لفظی است، با این تفاوت که در اینجا معانی گوناگون ناشی از یک لفظ نیست، بلکه ساختار جمله به گونه ای است که بیش از یک معنا را افاده می‌کند؛ یعنی، نحوه ترکیب الفاظ و عبارات موجب این نوع مغالطه شده است. این مغالطه مصادیقی دارد:

الف) ابهام مرجع ضمیر: مانند اینکه از این جوری که در شیعه و سنی بودن او اختلاف بود درباره خلیفه بلافضل پیامبر (ص) سوال شد، وی پاسخ داد: او کسی است که دخترش در خانه اوست چون حضرت علی علیه‌السلام داماد پیامبر علیه‌السلام و پیامبر علیه‌السلام داماد ابوبکر بود، مرجع دو ضمیر (ش) و (او) معلوم نیست. حال اگر این جمله مقدمه یک قیاس واقع شود استدلال را مغالطی می‌کند.

مثال (۲): شاه به من دستور داد که مخالف او را نفرین کنم، خدایا او را لعنت کن.

ب) عدم رعایت دقیق قواعد نقطه گذاری و سجاوندی: مانند بخشش لازم نیست اعدامش کنید. در این جمله اگر علامت ویرگول را بعد از (بخشش) بگذارند معنایی پیدا می‌کند کاملاً متعارض با هنگامی که ویرگول را بعد از (لازم نیست) بگذارند.

ج) ابهام نقش دستوری کلمه: مانند من از راهنمایی شما پیشیمانم. (کلمه (شما) مردود است بین اینکه فاعل راهنمایی باشد یا مفعول راهنمایی)
د) ابهام تعلق صفت به مضاف الیه: جان دادن، مورخ فلسفه یهودی است. (مورخ اضافه شده است ولی به فلسفه و یا به فلسفه یهودی معلوم نیست)
ه) ابهام ممثل در عبارات منفی: مانند من مثل تو زودباور نیستم. (مشخص نیست که تو زودباور هستی یا نیستی)

و) مشخص نبودن عبارت محذوف و تقدیر آن: مانند میل دارید با ما غذا بخورید؟
نه، میل ندارم. (معلوم نیست که میل به غذا ندارم یا میل ندارید با ما غذا بخورد)

(۳) ترکیب مفصل

این مغالطه در مواردی است که دو جمله به صورت مجزا و غیر تألیفی صادق هستند. اما اگر دو جمله به صورت تألیفی در یک جمله بیان شوند، جمله حاصل کاذب خواهد بود. مثلاً، اگر کسی هم نویسنده و هم ورزشکار باشد اما در نویسندگی بدون مهارت و در ورزش ماهر باشد. درباره این فرد، می‌توان گفت که او نویسنده است و نیز می‌توان گفت که او ماهر است، یعنی، اگر به طور جداگانه حکم کنیم، سخن درستی گفته ایم اما اگر این دو حکم را در یک جمله جمع کنیم و بگوئیم ((او نویسنده و ماهر است)) سخن ما مغالطه آمیز خواهد بود و نیز اگر بگوئیم: ((او نویسنده و ورزشکار ماهر است)). ترکیب مفصل را می‌توان از مصادیق مغالطه ابهام ساختاری به حساب می‌آورد.

(۴) تفصیل مرکب

این مغالطه عکس مغالطه قبل است و هنگامی مطرح می‌شود که به موضوع جمله ای یک صفت یا محمول مرکب نسبت داده شود و حکم این جمله در حالت ترکیبی صادق است اما اگر جمله را از حالت ترکیبی خارج کنیم و موضوع را به طور جداگانه با هر یک از اجزای محمول در دو جمله مستقل بیان کنیم به نتیجه نادرستی می‌رسیم.

مثال ۱: درباره (اسب کوتاه قد) می‌توان گفت: ((این حیوان اسبی کوچک است)) ولی نمی‌توان گفت: ((این حیوان کوچک است)).

مثال ۲: ((او یک ژاپنی بلند قد است)) نتیجه نمی‌دهد که ((او یک بلند قد است)).

مثال ۳: طبق نظر کارشناسان مراغه، این منطقه سرسبزترین مراغه کوهستانی کشور است. بنابراین برای فعالیت دامداری در کل ایران جایی بهتر از این منطقه پیدا نخواهیم کرد. روشن است که (سرسبزترین مراغه کوهستانی کشور) غیر از (سرسبزترین مراغه کشور) است.

(۵) واژه‌های مبهم

مثال ۱: آمریکا اعلام می‌دارد: ما در کشورهای دیگر مداخله نظامی نمی‌کنیم؛ ولی در شرائطی خاص جنگ محدود را می‌پذیریم.

مثال ۲: یکی از اطرافیان نزدیک شما بزودی به موفقیت بزرگی دست می‌یابد.

مثال ۳: کسی می‌خواهد در حق شما دشمنی کند؛ اما شماره استراتژی توطئه او را خنثی خواهید کرد.

مثال ۴: خطر بزرگی از تو برطرف شده است و در آینده یک امر خوشحال‌کننده خواهی داشت.

(۶) دروغ

(۷) توریه

مثال ۱: من می‌روم در حیاط می‌ایستم، اگر تلفن با من کار داشت بگو اینجا نیست و مقصودت این باشد که در افاق نیست.

مثال ۲: پولهایت را در جیبیت بگذار و اگر کسی از تو پول خواست بگو: متأسفانه کیف پولم را همراه نیاورده‌ام.

توریه سخنی است که گوینده از آن معنائی صادق اراده می‌کند ولی مخاطب از آن معنای دیگری درک می‌کند که صادق نیست.

(۸) نقل قول ناقص

مثال ۱: (کسی گفته است): این دیوان، خوب و مجموعه ای از اشعار لذت بخش است. البته هرگز با اشعار قوی برابری نمی‌کند اما بهر حال اگر در جایی به دیوان شاعران برتر دسترسی نداشته باشید، توصیه می‌کنم که در تنهایی به مطالعه این اشعار بپردازید.

(ناشر این کتاب در پشت جلد عبارت بالا را چنین بنویسد): این دیوان، خوب و مجموعه ای از اشعار لذت بخش است... و توصیه می‌کنم که در تنهایی به مطالعه این اشعار بپردازید.

گزینش عبارت دیگران به گونه ای که با هدف و مطلب ارائه شده او تفاوت داشته باشد:

این مغالطه در مطبوعات زیاد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مثال ۲: جدایی دین از سیاست حرف کاملاً معقولی است و خلاصه آن این است که دین را یک پدیده شخص بدانیم و سعی نکنیم آن را در مسائل اجتماعی، بویژه در سیاست، دخالت دهیم. دینداری رابطه ای میان شخص و خدای اوست. این حرفی نیست که ما به عنوان یک نظریه ارائه کرده باشیم؛ بلکه صریح قرآن کریم است. خود قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۵ می‌فرماید: ((یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذا اهدیتم: ای مردم مؤمن! شماره استراتژی مسئول خودتان هستید و اگر همه مردم دیگر گمراه شوند به شما ضرری نمی‌رسد)) پس به دینداری خودتان بچسبید و کاری به دیگران نداشته باشید. جدایی دین از سیاست هم یعنی همین.

مغالطات غیر لفظی و زبانی

مغالطات غیر لفظی اقسام فراوانی دارد که عبارتند از:

- ۱- ابهام انعکاس
- ۲- جابه جایی ذات و عرض
- ۳- سوء اعتبار حمل
- ۴- جمع کردن قضایای مختلف در یک قضیه
- ۵- مصادره به مطلوب
- ۶- تعریف دوری
- ۷- عدول از تعریف یا عقب نشینی تعریفی
- ۸- توسل به جهل (مغالطه از راه جهل)
- ۹- تأمین ابهام یا ابهام گوئی و یا اهمال سور

(۹) تحریف

(۱۰) تفسیر نادرست

(۱۱) تأکید لفظی (یا تکیه کلام)

مثال ۱: مادر گفته که به سوی پنجره ها توپ پرتاب نکنید. اگر گوینده بخواهد از این تأکید بر لفظ توپ استفاده کند که مثلاً پرتاب سنگ مانعی ندارد.

در این مغالطه هیچ دروغی و یا کاستن و افزودنی در کار نیست و تفسیر نادرستی نیز ارائه نمی‌شود، بلکه در بازگویی جملات بر بعضی از کلمات تأکید لفظی صورت می‌گیرد به گونه‌ای که معنای جمله تغییر می‌کند.

مغالطات غیر لفظی و زبانی

- ۱۹- قیاس مضمهر مردود
- ۲۰- استدلال دوری
- ۲۱- تعمیم شتابزده یا استقراء ناقص
- ۲۲- تمثیل
- ۲۳- تدقیق خطا یا کمیت گرائی
- ۲۴- ذات یا کنه و وجه یا هیچ نیست به جز
- ۲۵- خلط دلیل و علت
- ۲۶- علت شمردن امر مقدم
- ۲۷- علت شمردن امر مقارن
- ۲۸- سنت گرائی
- ۲۹- عدم سابقه
- ۳۰- تجدد گرائی

مغالطات غیر لفظی و زبانی

- ۱۰- طرد شقوق دیگر (مغالطه از طریق بیان شقوق)
- ۱۱- ذوالحدین جعلی و ساختگی
- ۱۲- مدعای بی ربط یا مغالطه دلیل نامربوط
- ۱۳- علت جعلی
- ۱۴- کامل نامیسر یا ایده آل اندیشی بدون ارائه راه حل
- ۱۵- ارزیابی یک طرفه
- ۱۶- رد دلیل به جای رد مدعا
- ۱۷- ترکیب
- ۱۸- تقسیم

مغالطات غیر لفظی و زبانی

- (۱) ابهام انعکاس
- مثال: هر گردوئی گرد است
پس هر گردی گردو است.
- به تعبیر دیگر از صدق یک قضیه عکس آنرا نتیجه گرفتن
- (۲) جابجایی ذات و عرض
- مثال ۳: قانون الهی محترم است
پس هر قانونی محترم و مقدس است.

- ۳۱- سنت گریزی
- ۳۲- توسل به اکثریت
- ۳۳- میانه روی
- ۳۴- قماربازان
- ۳۵- پهلوان پنبه
- ۳۶- بزرگ نمایی
- ۳۷- کوچک نمایی
- ۳۸- تجسم یا تجوهر
- ۳۹- برتری فقر
- ۴۰- برتری ثروت
- ۴۱- توسل به مرجع کاذب

- هر انسانی بشر است ، هر بشری میتواند علم بیاموزد پس هر انسانی می تواند علم بیاموزد.
- دانی کف دست از چه بی پوست، زیرا کف دست مو ندارد.
- در این مغالطه نتیجه قیاس یکی از مقدمات قیاس است و آنچه تغییر کرده ظاهر الفاظ است. در این مغالطه، در واقع قیاس یک مقدمه بیشتر ندارد.

- (۳) سوء اعتبار حمل
- مثال ۱: آزادی در محدوده قانون محترم است پس آزادی محترم است.
- این مغالطه به سبب حذف قید لازم (در مثال اول) و یا افزودن قید غیر لازم (مثال دوم) به وجود می آید.
- فقط انسان شاعر است، هر شاعری می تواند راه برود، پس فقط انسان می تواند راه برود.
- این استدلال قضیه ((فقط انسان شاعر است)) در واقع دو قضیه می باشد: ۱- انسان شاعر است؛ ۲- غیر انسان شاعر نیست.

۶- تعریف دوری
مثال: جوهر یعنی آنچه عرض نیست و عرض یعنی آنچه جوهر نیست.
مثال ۳: محتسب در نیم شب جایی رسید
در بن دیوار مردی حفته دید
گفت: هی! مستی؟ چه خوردستی؟ بگو!
گفت: از این خوردم که هست اندر سبو
گفت: آخر در سبو واگو که چیست؟
گفت: از آنکه خورده ام، گفت: این خفی است
گفت: آنچه خورده ای آن چیست آن
گفت: آنکه در سبو مخفی است آن
دور می شد این سوال و این جواب
ماند چون خر محتسب اندر خلاب

در این مغالطه یکی از شرایط تعریف رعایت نشده است.
یکی از شرایط تعریف صحیح این بود که دوری نباشد و
اگر این شرط رعایت نشود مغالطه صورت می گیرد.

۷) عدول از تعریف یا عقب نشینی تعریفی
مغالطه عدول از تعریف بدین معناست که انسان ابتدا یک
ادعا را مطرح کند و وقتی به مشکل برخورد، ادعای خود
را ضیق و محدود کند.

۸) توسل به جهل (مغالطه از راه جهل)
مثال ۲: ((مقاله او باید دقیق و عالمانه باشد؛ زیرا تا کنون یک نقد و اعتراض هم
من در باب آن ندیده ام))
اگر جهل به چیزی دلیل عدم آن و یا کذب و یا صدق آن قرار گیرد، مغالطه از
راه جهل صورت گرفته است.
۹) تأمین ابهام (ابهام گوئی - اهمال سور)
مثال ۲: بنده نمی توانم همسرم را از میان دانشجویان پزشکی انتخاب کنم؛ زیرا
پزشکان تا شب هنگام در بیمارستانها مشغول مداوای بیماران هستند.
در این مغالطه، مغالطه کننده خود را پشت دیوار ابهام گوئی خویش پنهان می
کند. مثل اینکه قضیه ای را به صورت مهمل بیان کند و محدوده آن را معین
نکند و یا قیود لازم را عمداً بیان نکند. معین نکند ((همه)) یا ((بعضی)) و یا
چه بخشی از مطلب و یا به چه قیدی.
البته کافی قیود و یا سورهای مبهم آورده می شود و مغالطه از باب مشخصی
نبودن قیود لازم می آید، مثل قیود: بیشتر، بندرت، اکثر قریب به اتفاق، غالباً
و امثال آن که در این صورت بدان مغالطه ((سور کلی نما)) می گویند.

۱۰) طرد شقوق دیگر (مغالطه از طریق بیان شقوق)
در این مغالطه، شقوقی برای یک امر ذکر می شود و سپس
همه به جز یک شق ابطال می گردد و سپس شق باقی،
سخن حق به حساب می آید یعنی به نفی شقوق برای
اثبات یک شق اکتفا می شود. مغالطه زمانی حاصل می
شود که، شقوق مذکور همه شقوق ممکن نباشد، بلکه
شقوق دیگری نیز امکان داشته باشد و ابطال نشود.

در مغالطه ذوالحدین، یکی از شرایط قیاس رعایت نگردیده است؛ یعنی، یا رابطه
بین مقدم و تالی واقعی نیست و ساختگی است و یا شقوق ممکن منحصر به
آن دو حالت نیست، به عبارت دیگر، در این مغالطه ادعا می شود که این
عوامل متعدد دارای این نتایج هستند و چون ناگزیر به انتخاب یکی از عوامل
هستیم، باید یکی از نتایج را بپذیریم، در حالی که یا واقعاً ناگزیر به انتخاب
یکی از عوامل نیستیم و یا آن عوامل آن نتایج را به طور ضروری در پی
ندارند.

منطق دانان برای برخورد با این مغالطه سه راه حل را مطرح کرده اند:
۱- گرفتن دوشاخ
۲- عبور از میان شاخها
۳- زیر و رو کردن مغالطه

۱۱) ذوحدین جلعی و ساختگی
در این مغالطه، استدلالی ترتیب داده شده است که شکل
برهان ذوالحدین است که برهانی تمام است، ولی حصر
آن عقلی نیست و یا شقوق آن نتایج خاص را ندارد
مغالطه لازم می آید.

مثال ۱: مادری در یونان باستان به پسرش گفت: (پسرم!
وارد عالم سیاست نشو؛ زیرا اگر راست بگویی، مردم از
تو منزجر می شوند و اگر دروغ بگویی، خدایان از تو
روی گردان می شوند و تو چاره‌ای نداری که یا راست
بگویی و یا دروغ و لذا یا مردم از تو منزجر می شوند و
یا خدایان از تو رویگردان.)

گرفتن دو شاخ: تقسیم بندی پذیرفته می شود ولی نتایج رد می شوند. در مثال فوق گفته شود: چنین نیست که مردم به جهت راستگویی از من متنفر شوند؛ بلکه احترام بیشتر می شود.

عبور از میان شاخها: حصر ارائه شده پذیرفته نشود. در مثال فوق گفته شود: می توانم در عالم سیاست شغلی انتخاب کنم که نیاز به سخنگویی نداشته باشد.
زیر و رو کردن مغالطه

((مادر! من وارد عالم سیاست می شوم؛ زیرا اگر دروغ بگویم، مردم از من راضی می شوند و اگر راست بگویم، مورد رضایت خدایان قرار می گیرم، پس چه راست بگویم و چه دروغ، یا مورد رضایت خدایان می شوم و یا مردم))

(۱۲) مدعای بی ربط (مغالطه دلیل نامربوط)

مثال ۲: هر ممکن الوجودی علت میخواید، پس هر موجودی علت می طلبد.

این مغالطه زمانی رخ می دهد که کسی ادعایی را مطرح کند و دلیلی ذکر کند که فی حد نفسه درست است، لکن یا اعم از مدعا و یا اخص از آن و یا مباین با آن است.

(۱۳) علت جعلی

این مغالطه در دو حالت صورت می گیرد

- ۱- چیزی به منزله ((علت)) مطرح شود که واقعاً علت نیست
- ۲- بخشی از علت به جای کل علت (علت تامه) مطرح گردد.

پرسش و تمرین

۱. ورزشکاران امروزی از داروهای نیروزا استفاده می کنند، پس نباید پیشرفت آنها را در ثبت رکوردهای جدید امری مهم دانست.
۲. هیچ انقلابی مطلوب نیست، زیرا در هیچ انقلابی همه اهداف انقلابیون به طور صددرصد پیاده نمی شود.
۳. مگر شما ننگتید کسی در این استخر شنا نکند؟ چرا خودتان شنا می کنید؟... من شنا بلد نیستم فقط دارم آبتنی می کنم.
۴. هر کس به خدا ایمان دارد مسلمان است زیرا هر انسانی به خدا ایمان دارد.
۵. او طرفدار جناح راست است زیرا به روشهای جناح چپ انتقاد دارد.
۶. اسلام با آزادی موافق است، پس نباید هیچ مسلمانی را محدود کرد.

(۱۴) کامل نامیسر (ایده آل اندیشی بدون ارائه راه حل)

در مسأله ای عملی، اگر چند راه حل پیش روی ما باشد، ناچار باید یکی را برگزینیم. حال اگر کسی همه شقوق ارائه شده را رد کند و راه حل بی عیب و نقص یا کم عیب و نقص تری ارائه ندهد و یا راه حل غیر قابل ووصلی ارائه کند دچار این مغالطه شده است.

مثال ۱: انقلاب ایران پیروز و موفق نبوده است، زیرا اسلام بطور صد در صد اجرا نشده است.

(۱۵) ارزیابی یک طرفه

اگر چیزی که هم منافع و مضار دارد فقط به ذکر منافع و یا مضار آن پرداخته شود، مغالطه ارزیابی یک طرفه صورت گرفته است.

(۱۶) رد دلیل به جای رد مدعا

مثال ۱: من میخواهم سندی ارائه کنم که برای حضار محترم در دادگاه ثابت شود که مجرم واقعی همین فرد است. من اسناد قطعی در اختیار دارم که نشان میدهد افرادی که برای بی گناهی این فرد شهادت داده اند هیچ کدام در محل وقوع جرم حضور نداشته‌اند.

اگر دلایل یک مدعا رد شود، به تنهایی دلیل بر بطلان ادعا نمی باشد، بلکه فقط می توان نتیجه گرفت که مدعی نتوانسته است مدعای خود را اثبات کند. اگر کسی با رد دلیل، ادعای بطلان ادعا را داشته باشد دچار این مغالطه شده است.

(۱۷) مغالطه ترکیب

مثال ۱: این ارکستر سمفونیک باید بهترین ارکستر باشد؛ زیرا نوازندگان برگزیده کشور در آن شرکت کرده اند.

مثال ۲: اگر هر کسی در هر کار اقتصادی آزاد باشد، اقتصاد جامعه شکوفا و منافع عمومی تأمین می شود. زیرا هر فردی به طور فطری و غریزی به دنبال کسب منافع خود است؛ پس کل جامعه نیز در پی دست یافتن به منافع خود است، پس اگر همه آزاد باشند جامعه نفع می برند.

اگر حکم اجزاء به کل نسبت داده شود، این مغالطه تحقق پیدا می کند. چون چه بسا اجزاء یک حکم داشته باشند ولی کل آن حکم را نداشته باشد.

از هر سه فرزند یکی در چین متولد می شود، یعنی یک سوم جمعیت جهان در چین زندگی می کنند، پس اگر شماره استراتژی دو فرزند داری بدنبال فرزند سوم میباش، چون بچه سوم تو در چین متولد می شو.

مثال ۲: او در یک موسسه بسیار مهم و معتبر کار می کند، بنابراین باید آدم مهمی باشد.

این مغالطه عکس مغالطه قبل است، یعنی، اسناد حکم یک کل یا یک مجموعه به اجزاء و افراد مجموعه است. زیرا چه بسا مجموعه و کل حکمی داشته باشند که اجزاء و افراد آن حکم را نداشته باشند.

(۱۹) قیاس مضمر مردود

مثال ۱: فلانی دزد است، چون شبها در کوچه ها پرسه می زند.

مثال ۲: معلم: چرا درس نمی خوانی و تکالیف را انجام نداده ای؟

اگر یکی از مقدمات قیاس بدلیل مردود بودن حذف شود، این مغالطه تحقق پیدا کرده است. در مثال اول مقدمه محذوف عبارت است از ((هر کس شبها در کوچه پرسه بزند دزد است)) و چون بطلان این مقدمه روشن است ذکر نمی شود تا بطلان قیاس روشن نشود.

۲۰- استدلال دوری

مثال ۱: عقل و استدلال عقلی مورد تأیید شرع است، و هر چه مورد تأیید شرع است حق و یا راهی به سوی حق است. پس عقل و استدلال عقلی، حق و راهی است به سوی حق

مثال ۲: از کجا مطمئن هستید آقای رئیس شما را معاون خود می کند؟

- ایشان علاقه خاصی به من دارند.
- علاقه شان را از کجا فهمیده اید؟
- چون می خواهد مرا رئیس کند.

اگر برای اثبات نتیجه از مقدماتی استفاده شود که صحت آن مقدمه وابسته به صحت نتیجه باشد، این مغالطه رخ داده است. و هر چه بین مقدمه و نتیجه مذکور فاصله بیشتری باشد مغالطه مخفی تر است.

تعمیم شتابزده یا استقراء ناقص

مثال ۲: همه کشورهای قاره آسیا مسلمان هستند، زیرا من به چند کشور آن قاره سفر کردم و اکثر مردم آن کشورها مسلمان بودند.

اگر انسان به صرف مشاهده چند مورد و نمونه، نتیجه کلی بگیرد؛ یعنی به صرف استقراء ناقص ارائه حکم کلی کند، دچار این مغالطه شده است.

البته انسان با استقراء به ضمیمه اصول دیگری همچون اصل علیت و سببیت بین علت و معلول و ضرورت علی ممکن است به قواعد کلی دست یابد ولی صرف استقراء بدون ضمیمه کافی نیست.

(۲۲) تمثیل

مثال: جریان الکتریسیته در سیم برق، مثل جریان آب در لوله است، بنابراین همان طور که اگر لوله در یک ساختمان عمودی باشد، فشار آب در طبقات پایین تر بیشتر از طبقات بالاست، اگر سیم برق عمودی کشیده شود، ولتاژ برق در طبقات پایین بیشتر از طبقات بالاست.

در این مغالطه، از یک معلوم جزئی به معلوم جزئی دیگر سیر شده است فقط بدلیل مشابهت بین دو مورد، در حالی که صرف مشابهت بین دو چیز در یک صفت موجب نمی شود در سایر اوصاف و احکام شبیه هم باشند.

البته استفاده از مشابهتها برای تفهیم مطالب در مواردی مفید است ولی برای استنتاج منطقی کارآمد نیست.

(۲۳) تدقیق خطا یا کمیت گزائی

مثال ۱: دو برابر اعتماد به فلانی، به تو اعتماد دارم.

استفاده از اعداد و ارقام و بیان کمیت در امور کیفی و در مواردی که گرچه کمی است ولی آمار و تحقیق دقیقی انجام نشده است، مغالطه است.

(۲۴) ذات و صفت یا کنه و وجه و یا هیچ نیست به جز

مثال ۱: ریشه معضلات اجتماعی مردم چیزی نیست جز مشکلات اقتصادی.

مثال ۲: داروین با بیان فرضیه تکامل خود مدعی شد که جانداران ناقص در سیر تکامل خود بتدریج به مراحل عالی تر دست می یابند و در نهایت این سیر تکامل جانداران، اسنان قرار دارد که موجود تکامل یافته مرحله قبل از خود، یعنی میمون، است. در آن عصر عده ای گفتند: از اینکه موهای بدن میمونها ریخته و به شکل انسان در آمده اند به این نتیجه می رسیم که انسان هیچ چیز نیست جز میمون برهنه.

در این مغالطه خطای اصلی این است که صفت یک چیز به جای ذات آن گرفته شده و همه چیز در آن صفت خلاصه شده است و پدیده ها فقط به یک عامل تفسیر می شوند. و در مثال دوم بر فرض انسان از میمون باشد ولی چیزی بسیار برتر و عالی تر از یک میمون برهنه است.

(۲۵) خلط دلیل و علت

اگر از کسی بپرسند از کجا می دانی که آهن بر اثر حرارت منبسط می شود و دلیل تو چیست؟ پاسخ آن است که من شخصاً آزمایش کرده ام یا از فیزیکدان شنیده ام و یا در کتاب خوانده ام. اما اگر سوال شود که: آهن به چه علتی بر اثر حرارت منبسط می شود؟ پاسخ آن است که زیرا حرارت موجب جنبش مولکولها می شود و فضای بیشتری می طلبد.

حال اگر جواب اول در پاسخ سوال دوم آورده شود این مغالطه صورت می گیرد.

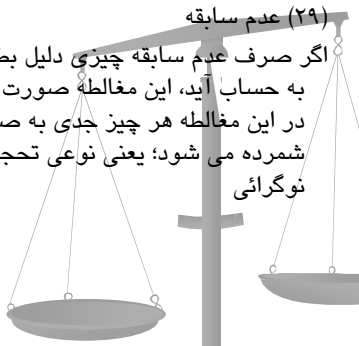
(۲۶) علت شمردن امر مقدم

مثال ۱: تاریخ نشان می دهد که شکل گیری جدی عرفان در ایران به قرن هفتم، یعنی مدتی پس از حمله مغول باز می گردد. یعنی نتیجه سرخوردگی و افسردگی پس حمله مغول است.

هر گاه صرف تعاقب دو پدیده موجب علت شمردن اولی برای دومی نشود، این مغالطه صورت گرفته است.

(۲۹) عدم سابقه

اگر صرف عدم سابقه چیزی دلیل بطلان و عدم صحت آن به حساب آید، این مغالطه صورت گرفته است. در واقع در این مغالطه هر چیز جدی به صرف جدید بودن باطل شمرده می شود؛ یعنی نوعی تحجر و مخالفت با تجدد و نوگرایی



(۲۷) علت شمردن امر مقارن

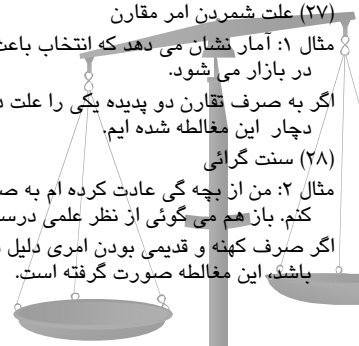
مثال ۱: آمار نشان می دهد که انتخاب باعث افزایش خرید و فروش در بازار می شود.

اگر به صرف تقارن دو پدیده یکی را علت دیگری به حساب آوریم دچار این مغالطه شده ایم.

(۲۸) سنت گرایی

مثال ۲: من از بچه گی عادت کرده ام به صورت دراز کش مطالعه کنم. باز هم می گوئی از نظر علمی درست نیست.

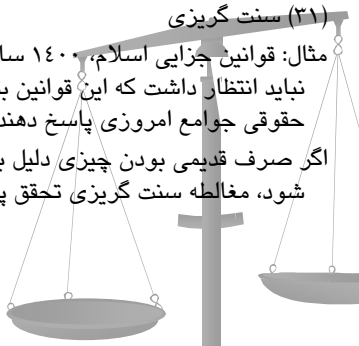
اگر صرف کهنه و قدیمی بودن امری دلیل درستی یا خوبی چیزی باشد، این مغالطه صورت گرفته است.



(۳۱) سنت گریزی

مثال: قوانین جزایی اسلام، ۱۴۰۰ سال پیش ارائه شد و نباید انتظار داشت که این قوانین بتواند به مشکلات حقوقی جوامع امروزی پاسخ دهند.

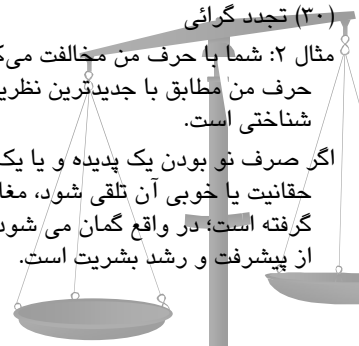
اگر صرف قدیمی بودن چیزی دلیل بطلان آن محسوب شود، مغالطه سنت گریزی تحقق پیدا کرده است.



(۳۰) تجدد گرایی

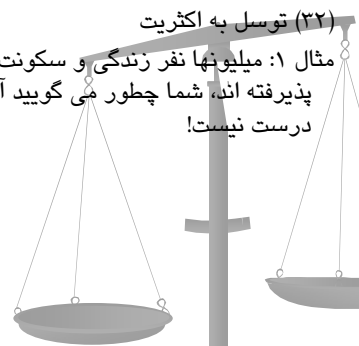
مثال ۲: شما با حرف من مخالفت می کنید، در حالی که حرف من مطابق با جدیدترین نظریه ها و تحلیلهای جامعه شناختی است.

اگر صرف نو بودن یک پدیده و یا یک فکر و ایده دلیل حقانیت یا خوبی آن تلقی شود، مغالطه مذکور صورت گرفته است؛ در واقع گمان می شود که هر چیز نو، ناشی از پیشرفت و رشد بشریت است.

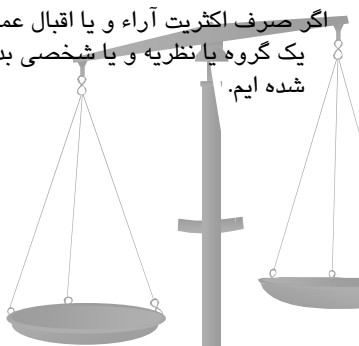


(۳۲) توسل به اکثریت

مثال ۱: میلیونها نفر زندگی و سکونت در آپارتمان را پذیرفته اند، شما چطور می گوئید آپارتمان نشینی درست نیست!



اگر صرف اکثریت آراء و یا اقبال عمومی را دلیل حقانیت یک گروه یا نظریه و یا شخصی بدانیم دچار این مغالطه شده ایم.



(۳۳) میانه روی

مثال: بعضی می گویند $4+2=6$ و پاره ای دیگر معتقدند $2+2=5$.
 $2+2=6$ بهتر است میانه این دو نظریه را بگیریم که

صرف میانه بودن یک امر یا یک نظریه دلیل حقانیت آن نیست گرچه در پاره ای از صفات اخلاقی اعتدال و میانه روی درست و مطلوب است ولی عمومیت دادن به میانه و میانه روی مغالطه میانه روی است.

(۳۴) قماربازان

مثال ۱: او دارای سه فرزند است که هر سه دخترند؛ به احتمال بسیار زیاد فرزند بعدی او پسر خواهد بود.
مثال ۲: او سه بار در انتخابات شرکت کرد و رأی نیاورد، به احتمال زیاد این دفعه رأی خواهد آورد.
اگر کسی گمان کند صرف وقوع حوادث قبلی و نتایج قبلی در احتمالات بعدی موثر است، گرفتار این مغالطه شده است.

(۳۵) پهلوان پنبه

ارائه تصویر ضعیف از یک مدعا و رد کردن آن مغالطه پهلوان پنبه است؛ یعنی گاهی اوقات شخصی با ادعای قوی و مستحکمی برخورد می کند که قدرت نقد آن را ندارد؛ از این رو یک مدعای سست و ضعیف و یا دلائل سست به طرف مقابل نسبت می دهد و به جای رد مدعای اصلی و یا دلیل قوی به رد مدعا و دلیل سست و ضعیف می پردازد.

(۳۶) بزرگ نمایی

در این مغالطه جنبه خاصی از یک واقعیت، بزرگتر و مهمتر از آنچه هست جلوه داده می شود؛ یعنی تلاش برای برجسته کردن برخی از ابعاد محتوایی یک خبر، به طوری که آن خبر را از حالت طبیعی خارج و آن را متضمن معانی نادرست و غیر واقعی کند. این مغالطه در آگهی های تبلیغاتی بیشتر به چشم می خورد.

(۳۷) تجسم یا تجوهر

کسی که گمان کند اوصاف اشیاء همچون اشیاء وجود مستقل دارند و یا امور انتزاعی همچون عدالت و نظم و امثال آن ما بازاء مستقل دارند و یا کسی امور مجازی را حقیقی بیندارد و یا به ازاء هر احساس درونی یک من درونی قائل شود و امثال این امور، دچار مغالطه تجسم شده است.

(۴۱) توسل به مرجع کاذب

استناد به قول کسی برای تأکید یک ادعا و اثبات حقانیت آن در زمینه ای که صاحب نظر نیست، گرچه ممکن است در زمینه های دیگر اهل نظر و قابل استناد باشد.

پرسش و تمرین

نوع مغالطات زیر را بیان کنید:

- ۱- او شما را ۳۰٪ هم دوست ندارد آنگاه شما ۵۰٪ مال خود را به او بخشیدید!!
- ۲- هیچگاه به مسافرت نروید، زیرا چیزی جز تصادف، خستگی، مصرف پول در آن نیست.
- ۳- ما زمان را به اشیاء خارجی نسبت می دهیم و قبول داریم، پس باید بتوان زمان را دید و احساس کرد.

پرسش و تمرین

- ۴- چه چیزی باعث سقوط اجسام به طرف زمین می شود؟ پاسخ: دانشمندان این مطلب را گفته اند و ما خود بارها این امر را تجربه کرده ایم.
- ۵- به نظر من اگر معلم نشوی بهتر است؛ زیرا باید از صبح تا شب با بچه های مردم سرو کله بزنی، گچ بخوری و حقوق کم بگیری.
- ۶- از قدیم گفته اند عدد ۱۳ نحس است، حال تو با آن مخالفت میکنی!!
- ۷- کسی که در چند بانک جهانی دارای حساب کلان است، ممکن نیست در تحلیل شرائط اقتصادی، سیاسی موجود اشتباه کرده باشد.

پرسش و تمرین

- ۸- همه مردم این شهر میدانند که اداره خدمات عمومی شهرداری، بی کفایت ترین بخش شهرداری است، پس چگونه می گویند آقای سعیدی که در این بخش کار می کند، فرد کارآمد و بالیافتی است!
- ۹- در وضعیت موجود، به پای میز محاکمه کشاندن یک مسئول رده بالای دستگاه اجرایی کشور مصلحت نیست، این کار هرگز در کشور ما سابقه نداشته است.
- ۱۰- او سه بار در قرعه کشی منزل شرکت کرده است و برنده نشده این دفعه به احتمال خیلی زیاد برنده خواهد شد.

پرسش و تمرین

- ۱۱- آقای حسینی از کارکنان این اداره است و از همه کارمندان دیگر شهر بهتر است؛ زیرا همه قبول دارند که این اداره از بهترین اداره های این شهر است.
- ۱۲- بعضی معتقدند که ارتباط با اسرائیل مطلقاً خوب است و عده ای آنرا مطلق نفی می کنند، به نظر می رسد باید اعتدال را رعایت کرد.
- ۱۳- بعضی می گویند همه ادیان حقتند و بعضی دیگر می گویند همه ادیان جز اسلام باطلند، به نظر من پاره ای از ادیان موجود و حداقل ادیان ابراهیمی موجود جهان حقتند.
- ۱۴- هیچگاه برای حل خصومت دو نفر یا دو گروه خود را درگیر نکن، زیرا باید حق را به یک طرف بدهی و حق را به هر طرف بدهی، طرف دیگر از تو ناراحت می شود، پس در هر حال شخصی یا عده ای از تو ناراحت و با تو دشمن می شوند.

پرسش و تمرین

- ۱۵- فلانی خمس و زکات نمی دهد، و به همین خاطر ثروتمند شده است.
- ۱۶- به نظر من فلانی معتاد است، زیرا اکثر روزها تا ساعت ۱۰ خواب است.
- ۱۷- به نظر من حسین هم در کنکور امسال قبول می شود زیرا برادر او سال گذشته در کنکور قبول شد.
- ۱۸- ریشه همه بدبختیهای تو عجله توست.

مغالطات بیرونی (۱)

مغالطات بیرونی، مغالطاتی است که از متن استدلال و قیاس خارج است و در ماده و صورت قیاس اتفاق نمی افتد، بلکه به اموری خارج از استدلال و مقدمات مذکور و غیر مذکور باز می گردد و موجب می شود طرف مقابل یا به اشتباه بیافتد و یا مغلوب شود و یا سخن ناحق حق جلوه کند.

مغالطات بیرونی عبارتند از:

- ۱- تهمت
- ۲- ایجاد خشم
- ۳-